

امنیت انرژی و نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای

ابوالقاسم طاهری^۱

عبدالمجید سیفی^۲

تاریخ پذیرش ۹۳/۱۱/۲۰

تاریخ دریافت ۹۳/۰۸/۱۶

چکیده

مفهوم امنیت انرژی سالیان اخیر در سطح وسیعی مورد توجه اندیشمندان حوزه روابط بین‌الملل قرار گرفته است و وارد دستورکار مطالعاتی این اندیشمندان شده است. موضوع انرژی در ابتدا بیشتر دارای ابعاد اقتصادی بود، لیکن در سالیان اخیر و به‌ویژه پس از بحران گازی سال ۲۰۰۶ بین روسیه و اوکراین، ابعاد امنیتی و سیاسی آن نیز پررنگ شده است. پس از وقوع مجدد این بحران در سال ۲۰۰۹، تنش‌های مکرر در منطقه راهبردی خاورمیانه و به‌ویژه پس از مناقشه روسیه و غرب در بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ اهمیت آن دوچندان گشته است. تمام انواع انرژی از لحاظ در معرض بودن و امنیتی کردن در یک سطح نیستند. گاز طبیعی برای امنیتی کردن و انرژی‌های تجدیدپذیر در انتهای این صف قرار دارند، زیرا عمدتاً به صورت محلی تولید و مصرف می‌شوند. این مقاله براساس مفهوم نظری رهیافت مجموعه امنیتی منطقه‌ای که به‌وسیله باری بوزان ارائه شده به بررسی مفهوم امنیت انرژی می‌پردازد. این مقاله تلاش می‌کند تا با رویکردی توصیفی تحلیلی با معرفی نظریه «مجموعه امنیتی انرژی» و مفاهیم این نظریه به‌ویژه مفهوم مهم «امنیتی کردن» آن را بر روی مسئله امنیت انرژی کاربردی نماید.

واژگان کلیدی: امنیت انرژی، امنیتی‌کردن، نظریه مجموعه امنیتی انرژی، وابستگی،

وابستگی متقابل.

^۱. استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی(ره)

^۲. استادیار علوم سیاسی دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی، seifi@abru.ac.ir

مقدمه

انرژی به‌عنوان یکی از عوامل مهم تولید، نقش بسیار بزرگی در رشد و توسعه اقتصادی کشورها داشته و سهم بزرگی در توسعه تمدن بشری ایفا کرده است. برای چندین دهه، امنیت انرژی مهمترین موضوع مطرح و مورد توجه کشورهای صنعتی مصرف‌کننده انرژی تلقی و به‌عنوان «عرضه مکفی انرژی در زمان مناسب و باقیمت مناسب» تعریف می‌شد. یعنی، کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی انتظار داشتند که برای تداوم توسعه اقتصادی و رفاه مردم کشورشان، انرژی همواره در قیمت‌های مناسب و در هر دوره زمانی که اقتصاد آنها می‌طلبید، فراهم گردد. (مزرعی، ۱۳۸۶: ۷۲)

در دوران جنگ سرد سیاست انرژی در حوزه صرفاً امنیتی قرار داشت. مبادلات و تجارت انرژی نقش محوری در اقتصاد بسیاری از کشورهای صنعتی پیدا کرد، به نحوی که انرژی به‌عنوان موتور توسعه برای کشورهای صنعتی قلمداد می‌شد. درچنین شرایطی، اختلال یا انقطاع عرضه انرژی و شوک‌های قیمت، برکارایی کارکرد اقتصادی واردکنندگان اصلی انرژی، تاثیر فراوان نهاد و در پایان بحران‌ها و مشکلات اقتصاد جهانی برتولیدکنندگان انرژی نیز بسیار موثر بود. (واعظی، ۱۳۸۶: ۱۴-۱۳) دراین مقطع، مفهوم امنیت انرژی به معنای اطمینان از عرضه مکفی انرژی، برای فرصت‌سازی اقتصادی ملی که بتواند اهداف تعیین شده را محقق سازد مدنظر قرار گرفت. دراین تعریف، دغدغه واردکنندگان کنترل قیمت نفت و دسترسی به عرضه انرژی است و نگرانی صادرکنندگان، داشتن بازار مداوم با قیمت مناسب نفت است.

مفهوم امنیت انرژی مفهومی چندبعدی است و هریک از ذی‌نفعان از دریچه خود بدان می‌نگرند. مصرف‌کنندگان انرژی با انجام اقداماتی درحوزه صرفه‌جویی در انرژی، افزایش بازده انرژی، قوانین و قواعد مالیات‌بندی بر محصولات مصرف‌کننده انرژی، قواعد یارانه‌ای و...

در پی ارتقای سطح امنیت انرژی خود هستند. این قواعد در حقیقت به دنبال مدیریت تقاضا است. این باور مهمی است که مدیریت تقاضا نقش بسیار مهمی در کاهش وابستگی انرژی به ویژه انرژی وارداتی دارد (Haghighi, 2007: 16). یکی دیگر از اقدامات مهم در این حوزه، سیاست متنوع‌سازی^۳ است. در این سیاست، با متنوع کردن مبادی ورود انرژی و انواع انرژی مصرفی، می‌توان خطرات ناشی از اختلالات در عرضه یک نوع انرژی یا یک کشور را در حد شایانی کاهش داد. (Baghat, 2007: 113)

اما از دیدگاه عرضه‌کنندگان، امنیت انرژی در امنیت برای تقاضای انرژی تعریف می‌شود. عرضه‌کنندگان تمایل دارند برای انرژی‌ای که تولید نموده و برای آن هزینه‌های زیادی متحمل شده‌اند، تقاضای مکفی وجود داشته باشد چرا که در غیر این صورت عرضه‌کنندگان باید هزینه‌های زمانی زیادی را به دلیل معطلی سرمایه‌گذاری‌شان تحمل نمایند. (Lajous, 2004: 39) همچنین شرکت‌های نفتی که نقش بسیار مهمی در امنیت انرژی دارند به سودآوری فعالیت‌هایشان توجه زیادی دارند. حاشیه سود پایین منجر به سرمایه‌گذاری کم در فعالیت‌های پایین‌دستی، میان‌دستی و بالادستی توسط این شرکت‌ها می‌شود که نهایتاً اثر منفی بر امنیت انرژی دارد.

با این وجود، ضروری است که در تعاریف مرتبط با امنیت انرژی باید ابعاد سیاسی امنیت انرژی را نیز در نظر داشت. یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که سبب شد این نوع تعاریف در دستور کار بین‌المللی، به ویژه دستور کار اتحادیه اروپا قرار گیرد، استفاده سیاسی روسیه از مسئله انرژی است که در جریان بحران گازی سال ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹ به اوج خود رسید. در این منازعات گازی، گاز طبیعی صادراتی روسیه به کشورهای اتحادیه اروپا، به علت وجود اختلافات سیاسی و اقتصادی، بین روسیه و اوکراین قطع شد. بسیاری از کارشناسان قطع گاز صادراتی به اوکراین را معلول روی کار آمدن غرب‌گرایان در اوکراین می‌دانستند، اما روس‌ها دلیل اصلی آن را عدم پرداخت قیمت گاز و سرقت گازی دولت اوکراین اعلام نمودند. این اتفاقات در کنار دیگر اقدامات روسیه در استفاده از انرژی به عنوان ابزاری سیاسی باعث شد تا شوکی به مقامات اروپایی نسبت به وابستگی فزاینده به گاز وارداتی از روسیه وارد

شود.

محقق برجسته سوئدی، رابرت لارسون^۴ دیدگاه جامعی در این خصوص ارائه داده است. او مواردی را مطرح می‌کند که طی آن روسیه از انرژی به‌عنوان ابزار سیاست خارجی خود استفاده نموده است. او در ابتدا به حوادثی نظیر قطع جریان انرژی، تهدیدات ضمنی، سیاست اعمال قیمت‌های تحمیلی و... اشاره می‌کند. لارسون با بررسی‌های خود تعداد این حوادث از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۶ را ۵۵ مورد می‌داند که از این حوادث دست‌کم ۲۰ مورد آن در ۶ سال ریاست جمهوری پوتین (۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶) بوده است. لارسون در بررسی خود به این نتیجه می‌رسد که تنها ۱۱ مورد دارای هیچ علت سیاسی نبود و بقیه دارای انگیزه‌های سیاسی بوده است. (Larsson, 2006: 23) این مسئله باعث تقویت گفتمانی در اتحادیه اروپا شد که معتقد بود خطر وابستگی بیش از حد به انرژی وارداتی از کشوری چون روسیه که می‌خواهد از این انرژی به‌عنوان ابزاری سیاسی استفاده نماید بسیار زیاد است. استفاده ابزاری از انرژی در جریان اوج‌گیری اختلافات بین روسیه و غرب در جریان بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ را نیز می‌توان به شکل قابل‌توجهی مشاهده نمود. در این مقطع و پس از اوج‌گیری اختلاف بین روس‌ها با غرب و دولت روس‌گرای پروشکو در اوکراین، روسیه بارها تهدید به قطع گاز اوکراین کرد، قیمت گاز فروشی به اوکراین را به شدت افزایش داد و خواستار سریع بدهی‌های گازی اوکراین شد.

این اتفاقات باعث شد تا مفهوم امنیت انرژی در سطح وسیع‌تری مورد بررسی قرار گیرد و از تمرکز صرف بر ابعاد اقتصادی فاصله گرفته و ابعاد سیاسی و امنیتی نیز به شکل جدی مورد توجه قرار گیرند. در این چارچوب، ابزارهای قیمت، واردات و... می‌تواند به شکل جدی به عنوان ابزارهای تحقق اهداف سیاسی و امنیتی مورد توجه قرار گیرد. پرسش اصلی که در این چارچوب مطرح می‌شود این است که چه نوعی از انرژی‌ها در معرض اصلی امنیتی کردن قرار دارند؟ در پاسخ باید گفت، که گاز طبیعی گزینه نخست برای امنیتی شدن است و این امکان برای انرژی‌های تجدیدپذیر بسیار کمتر است. همچنین اگر مباحث مربوط به انرژی به‌عنوان موضوع اقتصادی مطرح شود، آنگاه انتظار می‌رود که امنیتی کردن برای تمرکز بر عرضه کافی و قیمت‌های منطقی انرژی مدنظر قرار گیرد. و اگر مباحث مربوط به

4. Robert Larsson

انرژی به‌عنوان موضوع سیاسی مطرح شود، آنگاه امنیتی کردن بر وجوه سیاسی مختلف وابستگی انرژی تمرکز می‌کند، یعنی، جایی که موضوع امنیت احتمالاً حاکمیت دولت است.

چارچوب نظری: نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای

از سال‌های پایانی قرن بیستم و پس از پایان جنگ سرد، شکل جدیدی از مطالعات امنیتی که نگاهی متکثرتر به مقوله امنیت دارد مورد توجه قرار گرفته است. یکی از برجسته‌ترین مکاتبی که با ارائه تعریف چندبعدی و متکثر از امنیت، جایگاه مهمی در مطالعات امنیتی به دست آورده، مکتب کپنهاگ است. مکتب کپنهاگ با توجه به اینکه بر مطالعات امنیتی استوار است جز اولین رهیافت‌هایی است که به دنبال پایه‌گذاری جایگاهی مستقل برای مطالعات امنیتی است. به عبارت دیگر، این مکتب مطالعات امنیتی را که ویژگی دوران پس از جنگ سرد است، از حوزه مطالعات راهبردی دوران جنگ سرد تفکیک کرده و آن را ذیل «روابط بین‌الملل» و مطالعات راهبردی را ذیل «مطالعات امنیتی» قرار داده است.

مکتب کپنهاگ به تحلیل‌های منطقه‌ای توجه بیشتری نشان می‌دهد. از نظر باری بوزان^۵، پس از جنگ سرد، سطح منطقه‌ای برای دولت‌ها مکان هندسی منازعه و همکاری و برای پژوهشگرانی که در پی تبیین امور امنیتی معاصر هستند به یک سطح تحلیل تبدیل شده است. از نظر بوزان و ویور این رهیافت را می‌توان یک قانون پس از جنگ سرد دانست که ریشه در دو فرض دارد: اول این‌که، کاهش رقابت ابرقدرت‌ها کیفیت نفوذ منافع قدرت‌های جهانی در سایر نقاط را کاهش می‌دهد، و دوم این‌که، پویای داخلی قدرت‌های بزرگ، نظام بین‌الملل را از درگیری نظامی و رقابت استراتژیک در نقاط دردسرساز جهان باز می‌دارد و به دولت‌ها و جوامع محلی اجازه می‌دهد روابط نظامی و سیاسی خود را با مداخله‌ی کمتر قدرت‌های بزرگ در مقایسه با گذشته تنظیم کنند. (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۳)

یکی از مهم‌ترین چارچوب‌هایی که از جانب مکتب کپنهاگ برای بررسی دقیق‌تر

مطالعات امنیتی در سطح منطقه‌ای مطرح شده است، «نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای» است. نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای به وسیله باری بوزان در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس»^۶ ارائه شد. مفهوم اصلی این نظریه مفهوم «امنیتی کردن»^۷ است که در سال ۱۹۹۸ به شکل کاملی توسط بوزان اولی، ویور و پاپ دوویدل^۸ در کتاب «امنیت: چارچوبی جدید برای تحلیل امنیت»^۹ توسعه داده شد. بوزان و همکاران وی معتقدند که در جهان پس از جنگ سرد، روابط بین الملل سرشتی منطقه‌ای تر پیدا کرده است. منطقی که در ورای این فرض وجود دارد این است که فروپاشی نظم دوقطبی، نیروی اصلی سازمان‌دهنده‌ای را که در سطح جهان در کار بود را از بین برده است. این امر باعث شده تا مناطق در مقایسه با گذشته دست بازتری برای سروسامان دادن به امور خود خواهند داشت. (بوزان و ویور، ۱۳۸۶: ۲۶-۷)

استدلال مهم بوزان و ویور آن است که امنیت منطقه‌ای در پایان جنگ سرد موجب ناامنی‌های گسترده شده که مکاتب واقع‌گرا و جهان‌گرا را می‌توان از شناخت ماهیت و ابعاد مختلف امنیت هستند بدین معنا که مکتب واقع‌گرا با تلقی دولت به‌عنوان یگانه موضوع امنیت و نیز مکتب جهان‌گرا با تلقی نظام بین‌الملل به عنوان یگانه عامل امنیت از کانون تکوین حرکت‌های اصلی منطقه غفلت کرده‌اند. بنابراین لازم است برای ارائه فهم مناسب از سرشت و سرنوشت امنیت به ساختار منطقه و ویژگی‌های کشورهای که در منطقه‌ای خاص قرار دارند و از معضلات امنیتی مشابهی برخوردارند توجه کرد. این رویکرد بوزان از «شناخت راه میانه» میان پوزیتویست‌ها و پست‌پوزیتویست‌ها نشات می‌گیرد. (برزگر، ۱۳۸۷: ۱۸۹)

بوزان و همکاران مجموعه‌های امنیتی را این‌گونه تعریف می‌کنند:

«ایده اصلی نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای این است که به‌دلیل آنکه اغلب تهدیدات بیشتر در سطح منطقه‌ای مطرح هستند، وابستگی متقابل امنیتی به شکل نرمالی در دسته‌هایی منطقه‌ای به نام مجموعه‌های امنیتی شکل می‌گیرند..... فرآیند امنیتی کردن و میزان وابستگی متقابل امنیتی بین بازیگرانی که در درون این مجموعه‌ها هستند بسیار بیشتر از بازیگران درون این مجموعه‌ها با بازیگران خارج از مجموعه است.» (بوزان و ویور، ۱۳۸۹: ۸)

-
6. People, States & Fear
 7. Securitization
 8. Jaap de Wilde
 9. Security: A Framework for Analysis

به عبارت دیگر، مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای را می‌توان به دسته‌ای از تنگناهای امنیتی در نظر گرفت که در یک منطقه جغرافیایی خاص قرار دارد. جایی که درک تهدیدات مهم به‌وسیله دولت‌ها (یا سایر بازیگران) که دارای ارتباطاتی با هم هستند، صورت می‌گیرد. این ادراکات باعث شکل‌گیری یک وابستگی متقابل قوی امنیتی می‌شود که در آن امنیت یک دولت جدا از امنیت دیگری قابل تعریف نیست. از نظر بوزان، دو مولفه با درجات مختلف مجموعه‌های امنیتی را شکل می‌دهند. اول، نحوه توزیع قدرت در بین دولت‌ها در یک منطقه جغرافیایی خاص است که نقش مهمی در شکل‌گیری این مجموعه‌ها دارد و دوم، الگوهای دوستی و دشمنی تاریخی بین این دولت‌هاست که می‌تواند شکل‌گیری این مجموعه‌ها را دچار تغییرات کند. مراد از دوستی این است که در روابط آنها، طیفی از دوستی؛ از دوستی واقعی، تا انتظار حمایت یا حفاظت وجود داشته باشد. منظور از دشمنی نیز روابطی است که در آن سوءظن و هراس حاکم باشد.

براساس نظر بوزان، ویور و دووید ابعاد امنیت در نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای شامل ابعاد نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و زیست‌محیطی می‌شود. مجموعه‌های امنیتی می‌تواند به مجموعه‌های همگن و ناهمگن تقسیم شود. در مجموعه‌های همگن، همچنان این فرض کلاسیک مبنا قرار می‌گیرد که مجموعه‌های امنیتی در بخش‌های مشخص متمرکز هستند، بنابراین از انواع خاصی از تعامل میان انواع مشابهی از واحدها تشکیل شده‌اند. این درحالی است که در مجموعه‌های ناهمگن فرض بر این است که منطق منطقه‌ای می‌تواند انواع متفاوتی از بازیگران را که از سوی دو یا چند بخش با هم تعامل دارند، یکپارچه سازد. (بوزان، ۱۳۸۶: ۳۷-۳۸)

مجموعه امنیتی انرژی

مجموعه امنیتی منطقه‌ای انرژی، مجموعه‌ای است که در اثر تعاملات مرتبط با انرژی به‌وسیله دو یا چند دولت در یک منطقه جغرافیایی خاص شکل می‌گیرد، این تعاملات شامل روابط وابستگی بین دولت‌هایی که این وابستگی را به‌عنوان یک تهدید امنیتی به حساب می‌آورند نیز می‌شود. این تعاملات انرژی شامل ارتباطاتی نظیر صادرات، واردات و ترانزیت

انرژی می‌گردد. (Palonkorpi, 2006: 3) براساس تعاریف بوزان و ویور در نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای، تهدیداتی که به واسطه وابستگی انرژی بین دولت‌ها وجود دارد بیشتر در سطح مناطق همجوار از لحاظ جغرافیایی قابل مشاهده است. به عبارت دیگر، هزاران کیلومتر خطوط طولانی لوله نفت و گاز کشورها را به هم متصل می‌کنند که به مانند زنجیری عامل ایجاد وابستگی در حوزه انرژی هستند که می‌توانند باعث ایجاد برخی تهدیدات شوند.

در مجموعه‌های امنیتی انرژی، توزیع منطقه‌ای منابع انرژی و وابستگی‌های منطقه‌ای انرژی می‌تواند موازی با توزیع قدرت نظامی در مجموعه‌های امنیتی-سیاسی باشد. در این صورت این سوال پیش می‌آید که آیا بازیگران و مناطق مجموعه‌های امنیتی انرژی و مجموعه‌های سیاسی-امنیتی یکی هستند یا خیر؟ البته برای پاسخ به این سوال باید میزان وابستگی‌های انرژی را برحسب عواملی نظیر میزان منابع انرژی داخلی و امکان متنوع‌سازی مبادی ورود انرژی مورد بررسی قرار داد. برای مثال، این موضوع را می‌توان با نگاه به میزان وابستگی جمهوری‌های شوروی سابق به واردات نفت، گاز و برق از روسیه در مقابل توانایی آنها برای متنوع‌سازی واردات انرژی و منابع جایگزین و یا افزایش تولید انرژی داخلی آنها مشاهده نمود. البته در بسیاری از موارد نوسانات سالانه در میزان وابستگی به وجود می‌آید، اما در روندهای طولانی‌مدت، معمولاً میزان وابستگی تغییرات چندانی نمی‌کند. این نوسانات نشان می‌دهد که ساختارهای مجموعه‌های امنیتی انرژی معمولاً پویاتر از ساختارهای مجموعه‌های سیاسی-امنیتی هستند.

گرچه درصدهای وابستگی به انرژی وارداتی از یک کشور مهم است، لیکن پارامترهای دیگری نظیر میزان وسهم نوع انرژی وارداتی نیز اهمیت دارد. برای مثال؛ در نگاه اول تصور می‌کنیم چون فنلاند ۱۰۰ درصد گاز طبیعی وارداتی خود را از روسیه وارد می‌کند بنابراین فنلاند در سطح بالایی به روسیه وابسته است؛ اما باید توجه داشت که گاز طبیعی تنها ۱۱ درصد از میزان کل انرژی‌های اولیه مصرفی این کشور را تشکیل می‌دهد که میزان بسیار زیادی نیست. (Kara, 2004: 64)

از طرف دیگر، میزان الزامات امنیتی منابع انرژی براساس قابلیت‌های انتقال و ساختار بازار آنها متفاوت است. نفت خام می‌تواند به آسانی از طریق نفتکش‌های عظیم از نقطه‌ای به

نقطه‌ای دیگر در جهان منتقل شود. از این رو بازار و قیمت نفت به معنای واقعی؛ جهانی هستند. این در حالی است که تجارت گاز طبیعی عمدتاً از طریق خطوط لوله صورت می‌گیرد. این مهم‌ترین دلیلی است که قیمت گاز طبیعی عمدتاً به صورت منطقه‌ای تعیین می‌شود تا جهانی. گرچه از لحاظ فنی امکان انتقال گاز طبیعی مایع شده (الان‌جی) از طریق کشتی نیز وجود دارد، لیکن هنوز اکثر گاز طبیعی جهان از طریق خطوط لوله صادر می‌شود. هرچند با گسترش استفاده از ال‌ان‌جی در سطح جهانی برخی تولیدکنندگان عمده ال‌ان‌جی در دنیا، در پی ایجاد قیمت‌های جهانی واحد برای ال‌ان‌جی صادراتی هستند.

در بررسی مجموعه‌های امنیتی انرژی باید به دو مفهوم وابستگی و وابستگی متقابل نیز توجه داشت. مفهوم وابستگی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به شکل گسترده‌ای توسط اندیشمندان مارکسیستی برای توصیف ساختارهای نابرابر جهانی و روابط بین شمال با جنوب و مرکز با پیرامون مورد استفاده قرار می‌گرفت. از سوی دیگر، وابستگی متقابل عمدتاً توسط اندیشمندان لیبرال در مقابل واقع‌گرایان و نوواقع‌گرایان که به ابعاد سیاسی وابستگی تاکید دارند، مورد استفاده قرار گرفت. (Sullivan, 2002: 172-174) یکی از مهم‌ترین انتظارات از مجموعه‌های انرژی، بررسی توان کشورهای حاضر در مجموعه از نظر پیاده‌سازی الگوهای وابستگی متقابل انرژی است. در این چارچوب، مراد از وابستگی متقابل انرژی این است که تغییرات، اختلالات و پیشرفت‌ها در هریک از اعضای مجموعه می‌تواند بر دیگر واحدها نیز تاثیر گذارد.

جدول (۱) نشان می‌دهد که نوعی وابستگی نسبی در واردات انرژی دولت‌های اروپایی در واردات گاز طبیعی از روسیه وجود دارد. وابستگی به گاز طبیعی روسیه در میان کشورهای هم‌مرز با روسیه یا کشورهایی که در فاصله نزدیکتر با روسیه قرار دارند، بیشتر است. در مقابل کشورهای اروپای غربی که دورتر از روسیه هستند، درصد کمتری از گاز طبیعی مصرفی خود را از روسیه وارد می‌کنند. یعنی، میزان وابستگی انرژی در برخی از حامل‌های انرژی دارد ارتباط با نزدیکی کشورها با صادرکننده است. درصد خاصی برای وابستگی انرژی را می‌توان «آستانه وابستگی»^{۱۰} در نظر گرفت (معمولاً ۵۰ درصد) که براساس آن می‌توان

10. Dependency Threshold

مرزهای مجموعه امنیتی را مشخص نمود. براین اساس، وابستگی بیش از حد آستانه وابستگی می تواند به عنوان تهدید امنیتی به شمار آمده و بحث امنیتی کردن پررنگ تر شود. (Palonkorpi, 2006: 6)

جدول (۱): درصد وابستگی و واردات گاز طبیعی برخی کشورهای اتحادیه اروپا از

روسیه در سال ۲۰۱۰

وابستگی کم زیر ۴۰ درصد	وابستگی متوسط ۴۰ تا ۶۰ درصد	وابستگی زیاد ۶۰ تا ۸۰ درصد	وابستگی عمیق ۸۰ تا ۱۰۰ درصد
فرانسه ۱۶/۷	یونان ۵۲/۸	اتریش ۶۲/۵	بلغارستان ۹۹/۵
آلمان ۳۷/۹	اسلوانی ۵۶/۲	جمهوری چک ۷۱/۹	استونی ۱۰۰
ایتالیا ۱۷	اتریش ۶۲/۵	مجارستان ۶۵	فنلاند ۱۰۰
هلند ۸/۱		لهستان ۶۳/۱	لتونی ۱۰۰
رومانی ۱۷			لیتوانی ۱۰۰
انگلستان ۰			اسلواکی ۹۸/۲
پرتغال ۰			
ایرلند ۰			
اسپانیا ۰			

Source: BP Statistical Review of World Energy 2011

این آمارها نشان می دهد که کشورهای نظیر بلغارستان، استونی، لتونی، اسلواکی، اتریش و... که وابستگی آنها به گاز طبیعی بیش از آستانه وابستگی است، اگر گاز طبیعی سهم عمده ای در انرژی مصرفی آنها داشته باشد آنگاه در وضعیت خطرناک تری در مقایسه با سایر اعضای اتحادیه اروپا قرار دارند و امکان اثرپذیری آنها در صورت امنیتی شدن موضوع انرژی بیشتر است. این در حالی است که کشورهای نظیر ایتالیا که از لحاظ مبادی ورود انرژی تنوع بیشتری داشته و وابستگی آنها به یک کشور صرف کمتر است، آسیب پذیری کمتری در زمان امنیتی شدن موضوع انرژی دارند.

عامل مهم دیگری که در شکل‌گیری مجموعه‌های امنیتی انرژی نقش دارد، الگوهای دوستی و دشمنی تاریخی است که بر چگونگی و سطح وابستگی انرژی تأثیر دارد. الگوهای دوستی و دشمنی عواملی هستند که نشان می‌دهند، چرا برخی وابستگی‌های انرژی سیاسی و امنیتی می‌شوند؟ در حالیکه برخی دیگر به این سرنوشت دچار نمی‌شوند. برای مثال، دولت A دارای روابط دوجانبه خوب با دولت B است. ممکن است دولت B مثلاً ۳۰ درصد از انرژی وارداتی خود را از دولت A تامین کند، آنگاه این وابستگی زیاد است، اما تهدید اساسی برای دولت B نیست. اما اگر دولت A دارای روابط مخاصمه‌آمیزی با دولت C باشد، آنگاه اگر دولت C تنها ۱۰ درصد انرژی خود را از دولت A وارد کند، این میزان واردات می‌تواند تهدیدی برای دولت C باشد. درحقیقت این الگوهای دوستی و دشمنی دولت A با دولت‌های B و C است که در شکل‌گیری مجموعه امنیتی انرژی تأثیر دارد و چگونگی و سطح وابستگی را مشخص و تعیین می‌کند.

هر موردی در وابستگی انرژی می‌تواند در درجات مختلف به‌عنوان «وابستگی سودمند متقابل»^{۱۱} (وابستگی مثبت) و یا «وابستگی نابرابر و تهدیدکننده»^{۱۲} (وابستگی منفی) مورد توجه قرار گیرد. یک مثال خوب برای وابستگی مثبت را می‌توان در روابط انرژی اتحادیه اروپا با نروژ مشاهده نمود. نزدیکی هنجارهای مورد پذیرش نروژ با اتحادیه در حوزه‌های گوناگون و عضویت این کشور در منطقه اقتصادی اروپا است. از این‌رو، در قوانین و هنجارهای زیست‌محیطی، حقوقی و بازاری، شباهت‌های بسیاری بین اتحادیه اروپا و نروژ وجود دارد که نقش مهمی در تقویت این وابستگی مثبت دارد. از این رو به‌رغم بالا بودن میزان وابستگی اتحادیه اروپا به نفت و گاز طبیعی وارداتی از نروژ (۳۰ درصد گاز طبیعی وارداتی)، بازهم براساس نظرات مقامات اتحادیه از جمله؛ باروسو و اسناد انرژی اتحادیه، یکی از اصلی‌ترین کشورهایی که مدنظر سیاست متنوع‌سازی اتحادیه اروپا قرار دارد، نروژ است. (Dampsey,2006:23)

اما این مسئله در مورد روسیه و گرجستان متفاوت است. گرجستان چندین بار هدف

۱. Mutual Beneficial Dependency

۱۲. Unequal and Threatening Dependency

سیاست قطع جریان انرژی وارداتی از روسیه قرار گرفته است. ساکاشویلی رئیس جمهور گرجستان سعی نموده از این مسئله برای تحریک اتحادیه اروپا استفاده نماید. «... تغییر قیمت انرژی و میزان صادرات، ابزار مهم روسیه است. ابزار روس‌هایی که معتقدند انرژی بهترین ابزار برای تحقق اهداف سیاست خارجی است... قطع جریان انرژی کشورهای دیگر پیامی مهم برای سران اتحادیه اروپا دارد و این پیام آن است که اتکا به همسایه‌ای که از انرژی برای رسیدن به اهداف سیاست خارجی‌اش استفاده می‌کند باعث به خطر افتادن امنیت انرژی می‌شود.» (Saakashvili, 2006: 19) وابستگی ۱۰۰ درصدی گرجستان به گاز وارداتی از روسیه نمونه بسیار خوبی برای وابستگی انرژی منفی است.

موضوع وابستگی انرژی، اگر با دیگر منازعات و اختلافات دولت‌ها پیوند بخورد، می‌تواند به راحتی امنیتی و یا سیاسی شود. این دشمنی‌ها می‌تواند باعث سوق دادن وابستگی به سمت وابستگی منفی شود. از این رو به نظر می‌رسد مجموعه‌های امنیتی انرژی احتمالاً مسیرهای وابستگی متقابل امنیتی را که قبلاً در منطقه وجود داشته‌اند دنبال خواهد کرد.

ویژگی‌های امنیتی هر منبع انرژی

در میان منابع انرژی، گاز طبیعی محتمل‌ترین گزینه برای استفاده به‌عنوان ابزار سیاسی است. برخلاف نفت خام و مشتقات آن نظیر بنزین، گاز طبیعی دارای بازار و قیمت جهانی نیست و این فاکتورها عموماً به صورت منطقه‌ای تعیین می‌شوند. هرچند که تلاش برای ایجاد «مجمع کشورهای صادرکننده گاز»^{۱۳} در حقیقت کوششی برای قیمت‌گذاری جهانی گاز طبیعی است. کشورهای عمده تولیدکننده گاز طبیعی نظیر روسیه، ایران و قطر با تاسیس چنین سازمانی در نظر دارند تا با استفاده از آن بتوانند فرآیند قیمت‌گذاری گاز طبیعی را هماهنگ نمایند. اگر این ایده به صورت کامل تحقق پیدا کند، آنگاه اقدامات هماهنگ صادرکنندگان اصلی گاز طبیعی می‌تواند باعث تغییراتی در بازاریابی و قیمت‌گذاری گاز طبیعی در سطح منطقه‌ای شود و قیمت‌گذاری بیشتر در سطح جهانی صورت پذیرد. (www.en.rian.ru)

با این وجود، هنوز بیشتر قیمت‌های گاز طبیعی به صورت منطقه‌ای تعیین می‌شود. اغلب قیمت‌های گاز طبیعی در سطح منطقه‌ای به صورت شفاف و روشن اعلام نمی‌شوند و حالت

13. Gas Exporting Countries Forum (GECF)

امنیت انرژی و نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای / ۱۴۱

امنیتی پیدا کرده‌اند. به‌علاوه، انتقال بیشتر گاز طبیعی در دنیا به‌وسیله خطوط لوله صورت می‌گیرد. از این رو امکان تغییر و تعدیل سریع در واردات گاز طبیعی از نقاط مختلف وجود ندارد. انعطاف‌پذیری که در مورد انتقال نفت خام وجود دارد، در مورد گاز طبیعی وجود ندارد و این، امکان امنیتی کردن گاز طبیعی را بیشتر می‌کند. در مورد نفت خام، امکان متنوع‌سازی بیشتر است، زیرا انتقال بیشتر نفت خام از طریق نفتکش‌ها صورت می‌گیرد و می‌توان در صورت ایجاد اختلال در واردات نفت از یک کشور یا یک منطقه، کشور یا منطقه دیگر را برای واردات جایگزین نمود.

خطوط لوله گازی طولانی که چندین کشور را به هم متصل می‌کند قابلیت استفاده سیاسی بیشتری دارند، اما امکان موفقیت در استفاده سیاسی از آنها کمتر است زیرا از لحاظ فنی نمی‌توان فقط کشور مورد نظر را هدف قرار داد، زیرا تمام کشورهای مسیر را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در جریان منازعه گازی سال ۲۰۰۶، هدف اصلی دولت روسیه تنبیه دولت اوکراین به اتهام سرقت گاز و عدم پرداخت قیمت مورد نظر روسیه بود، اما بسیاری از کشورهای عضو اتحادیه اروپا که در ادامه خطوط لوله عبوری از اوکراین قرار داشتند، تحت تاثیر قرار گرفتند. امادار خطوط لوله کوتاه‌تر که کشور صادرکننده را فقط به یک کشور واردکننده متصل می‌کند، امکان موفقیت در استفاده سیاسی بیشتر است، زیرا از لحاظ فنی امکان هدف قرار دادن کشور مورد نظر وجود دارد. (Palonkorpi, 2006: 9)

توسعه تکنیک‌های مایع‌سازی گاز طبیعی می‌تواند باعث به چالش کشیدن خطوط لوله به‌عنوان اصلی‌ترین و مهم‌ترین وسایل انتقال گاز طبیعی در دنیا شود. توسعه ال‌ان‌جی باعث افزایش رقابت در تامین گاز طبیعی و باعث کاهش قیمت‌های گاز در بازارهای اروپا شده است. زیرا کشورهای نظیر عمان و قطر وارد این بازار شده‌اند. (Rosner, 2006:)
www.igas.org این در حالی است که پیش از توسعه صنعت ال‌ان‌جی، این کشورها سهمی در صادرات گاز طبیعی به اتحادیه اروپا نداشتند. در آغاز دهه ۱۹۹۰، سهم ال‌ان‌جی در تجارت جهانی گاز طبیعی ۴ درصد بود، اما این رقم روزبه‌روز افزایش یافته و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۰ به ۱۴ تا ۱۷ درصد خواهد رسید. پیامد مهم این تغییر حرکت سریع‌تر به سمت قیمت‌های جهانی گاز طبیعی است. (Cook, 2000: 20-22)

هرچند درباره استفاده از ال ان جی نیز انتقاداتی وجود دارد. از جمله اینکه تولید ال ان جی بسیار پرهزینه است و هزینه انتقال آن از نفت خام بیشتر است. دیگر اینکه، ساخت زیرساخت‌های مایع سازی و پایانه‌های ال ان جی بسیار دشوار و پرهزینه است. از این رو امکان شکل‌گیری بازارهای منطقه‌ای بسیار بیشتر از شکل‌گیری بازار جهانی ال ان جی، به مانند نفت خام است. همچنین تاسیسات و وسایل حمل ال ان جی می‌تواند اهداف خوبی برای تروریست‌ها باشد. (Roberts, 2004: 249-250) با این وجود انتقادات، باز هم به نظر می‌رسد روند حرکت به سمت ال ان جی بسیار سریع است.

منابع انرژی تجدیدپذیر (انرژی خورشیدی، بادی، بیوماس، هیدروالکتریک و...) کمتر امکان استفاده سیاسی دارند. انرژی‌های تجدیدپذیر معمولاً به صورت داخلی تولید و مصرف می‌شوند و نقش مهمی در کاهش سهم واردات دیگر منابع انرژی و کاهش وابستگی به واردات دارند. در حقیقت منابع انرژی تجدیدپذیر نوعی وسیله دفاعی در مقابل وابستگی به واردات هستند. این در حالی است که در بسیاری از موارد، از گاز طبیعی به عنوان منبعی که پتانسیل استفاده به عنوان ابزار تهاجمی دارد، یاد می‌شود. برای مثال، از رشد استفاده کشورهای اتحادیه اروپا از انرژی‌های تجدیدپذیر به عنوان یکی از سیاست‌های مهم این اتحادیه برای کاهش وابستگی به انرژی وارداتی از روسیه یاد می‌شود. در حالی که کشورهای اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۱ در حدود ۱۶ میلیون تن معادل نفت از انرژی‌های تجدیدپذیر استفاده می‌کردند. این رقم در سال ۲۰۱۱ بیش از ۵ برابر شد. و به بیش از ۸۰ میلیون تن معادل نفت، یعنی ۴۱ درصد از کل انرژی تجدیدپذیر مصرفی جهان رسیده است. (BP, 2011) اتحادیه اروپا از سال ۱۹۹۷ برنامه‌های زیادی را برای ارتقای سطح استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر اجرایی کرده است. اهداف جاه‌طلبانه‌ای برای استفاده از این انرژی‌ها در اتحادیه اروپا وجود دارد که این موضوع از پس از بحران گازی روسیه و اوکراین در سال ۲۰۰۶ به شدت تشدید شد و پس از بحران سال ۲۰۱۴ اهمیت آن برای اعضای اتحادیه مسجل گردید.

برنامه‌های اجرایی اتحادیه اروپا باعث شد تا در سال ۲۰۱۰ در حدود ۲۰ درصد کل الکتریسیته این اتحادیه از انرژی‌های تجدیدپذیر تامین شود. (Bloem et al, 2011: 7) به منظور توسعه و گسترش فناوری‌های انرژی‌های تجدیدپذیر، اتحادیه اروپا یک سند برای

امنیت انرژی و نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای / ۱۴۳

انرژی‌های تجدیدپذیر ارائه کرد که شامل هدفگذاری ۲۰ درصدی از کل انرژی مصرفی اتحادیه اروپا تا سال ۲۰۲۰ است. طبق این سند ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا تا سال ۲۰۲۰ باید ۳۴ درصد از کل الکتریسیته مصرفی خود را از انرژی‌های تجدیدپذیر تولید نمایند. (Council, 2009: 21 European) چون این نوع انرژی‌ها عمدتاً در زمره انرژی‌های پاک محسوب می‌شوند و دارای آثار مخرب زیست محیطی نیستند، از این رو باعث حفظ امنیت زیست محیطی که یکی از ابعاد امنیتی مورد نظر مکتب کپنهاگ می‌شوند.

ساختار مجموعه امنیتی انرژی

از نظر بوزان، ساختار مجموعه امنیتی می‌تواند به‌عنوان نتیجه تغییر موازنه قوا و یا نتیجه تغییر در الگوهای دوستی و دشمنی منطقه‌ای دگرگون شود. حالات ساختاری کلی که می‌توان برای ارزیابی اثر تغییرات بر مجموعه امنیتی به کار برد عبارتند از: (بوزان، ۱۳۸۹: ۲۴۴-۲۴۲)

حفظ وضع موجود، ساختار بنیادی توزیع قدرت و الگوی دوستی و دشمنی اصولاً دست نخورده باقی بماند.

تحول داخلی، تغییرات ساختار امنیتی در درون مرزهای موجود رخ می‌دهد. این تغییرات ممکن است ناشی از تحولات مهمی در توزیع قدرت و یا دگرگونی عمده در الگوهای خصومت باشد.

تحول خارجی: ساختار مجموعه امنیتی از طریق گسترش یا کوچک شدن مرزهای خارجی خود، تغییر یابد. اضافه شدن یا حذف دول عمده، اثر مهمی بر توزیع قدرت و الگوهای دوستی و دشمنی دارد.

فشار خارجی: بدین معناست که یک یا چند قدرت خارجی به‌طور مستقیم به عضویت در مجموعه امنیتی تمایل یابند و در نتیجه پویای امنیتی بومی را سرکوب کنند.

ساختار مجموعه امنیتی انرژی ممکن است به‌عنوان نتیجه تغییرات نسبی در درصد و میزان وابستگی انرژی و یا به‌عنوان نتیجه تغییر در روابط از وابستگی به وابستگی متقابل انرژی (یا برعکس) دگرگون شود. برای مثال، ساخت یک نیروگاه جدید در یک کشور

می‌تواند وابستگی آن نوع انرژی در آن کشور را تا حدی کاهش دهد با این وجود نمی‌تواند الگوهای وابستگی در درون منطقه را به‌طور کلی دگرگون سازد و بنابراین ساختار حفظ وضع موجود بر مجموعه امنیتی انرژی حاکم است. تحول داخلی زمانی رخ می‌دهد که پروژه‌های انرژی در سطح منطقه به اندازه کافی برای تغییر الگوهای وابستگی در درون منطقه ایجاد شود. تحول خارجی می‌تواند به عنوان نتیجه راهبردی گسترش زیرساخت‌های انرژی، نظیر خطوط لوله نفت و گاز در نظر گرفته شود که مقادیر زیادی از منابع انرژی اضافی را از مجموعه خارج و یا به آن وارد می‌کند و الگوهای وابستگی انرژی را تغییر داده و سایر دولت‌ها را به مجموعه متصل می‌کند. (Palonkorpi, 2006: 10)

فشار خارجی در مجموعه امنیتی انرژی می‌تواند در زمان وابستگی تقریباً کامل به یک تامین‌کننده انرژی در یک منطقه در نظر گرفته شود. این فشار زمانی رخ می‌دهد که یک دولت حالت انحصاری در انتقال انرژی داشته باشد. تقریباً ۱۰۰ درصد انحصار صادرات گاز طبیعی آسیای مرکزی به سمت اروپا در اختیار گازپروم بوده و از طریق خطوط لوله‌ای صورت می‌گیرد که از خاک روسیه عبور می‌کند. این مثال خوبی برای فشار خارجی است و در بسیاری از موارد، روسیه از این فشار خارجی برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی خود در قبال این کشورها استفاده نموده است. برخی کشورهای آسیای مرکزی، نظیر ترکمنستان، درصدد هستند با ساخت خطوط لوله دیگر این فشار خارجی را کاهش دهند. طرح عشق‌آباد برای ساخت خط لوله فراخزری^{۱۴} که گاز طبیعی ترکمنستان را از طریق بستر دریای خزر به آذربایجان و از آنجا به اروپا می‌رساند در همین چارچوب قابل ارزیابی است.

با توجه به توضیحات ذکر شده می‌توان گفت که اگر امنیت انرژی به مجموعه‌های امنیتی همگن نزدیک باشد، آنگاه امنیت انرژی می‌تواند بعد ششم امنیت در کنار پنج بعد دیگر مورد نظر مکتب کپنهاگ امنیت سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی باشد. اما اگر امنیت انرژی به مجموعه‌های امنیتی ناهمگن نزدیک باشد، آنگاه امنیت انرژی بعدی امنیتی ورای دیگر ابعاد است که در آن تعامل با دیگر اشکال امنیت مجموعه امنیتی را شکل می‌دهد. به دلیل اینکه امنیت انرژی دارای ابعاد مختلف سیاسی و اقتصادی است

بسیار دشوار است که بتوانیم مسائل امنیت انرژی را در یکی از ابعاد موجود امنیت محدود سازیم زیرا اغلب تهدیدات امنیت انرژی می‌تواند به راحتی به سایر ابعاد تسری یابد.

امنیتی کردن موضوع انرژی

امنیتی کردن، به فرایندی گفته می‌شود که منجر به قرار دادن برخی موضوعات در چارچوب امنیت می‌گردد، درحالی‌که قبلاً در این حوزه قرار نداشته است. امنیتی کردن در تمام حوزه‌های نظامی و غیرنظامی ممکن می‌شود در تمام ابعاد امنیت نیز یکسان عمل می‌کند. بدین ترتیب که از یک بعد از ابعاد پنجگانه آغاز و به سایر ابعاد تسری می‌یابد. در نتیجه تفکیک حوزه‌های امنیتی را دشوار می‌سازد. (محسنی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۱۸)

اگر مباحث مربوط به انرژی به‌عنوان موضوع اقتصادی مطرح شود، آنگاه انتظار می‌رود که امنیتی کردن برای تمرکز بر عرضه کافی و قیمت‌های منطقی انرژی مدنظر قرار گیرد. برخی از موضوعات در حوزه انرژی تقریباً به طور کامل اقتصادی هستند و هیچ ارتباطی با مسائل امنیتی ندارند.

اگر مباحث مربوط به انرژی به‌عنوان موضوع سیاسی مطرح شود، آنگاه امنیتی کردن بر وجوه سیاسی مختلف وابستگی انرژی تمرکز می‌کند. یعنی جایی که موضوع امنیت احتمالاً حاکمیت دولت است. زمانی که موضوعات انرژی در سطح بالایی، سیاسی شوند. آنگاه تقریباً به‌عنوان موضوعات امنیتی در نظر گرفته می‌شوند. در این حالت وابستگی بالای انرژی، چالشی برای حاکمیت دولت مطرح می‌شود. برای مثال، می‌توان به فشارهای شدیدی سران گازپروم در سال ۲۰۰۶ مبنی بر اینکه ممکن است در آینده گاز طبیعی کافی برای کشورهای روسیه از روسیه گاز طبیعی وارد می‌کنند، وجود نداشته باشد اشاره کرد. الکساندر جزاموف^{۱۵} قائم‌مقام گازپروم در سال ۲۰۰۶ اعلام کرد که کشورهای که براساس قیمت‌های بازار، پرداخت‌های خود را انجام نمی‌دهند، ممکن است گاز روسیه را از دست بدهند. همچنین الکسی میلر^{۱۶} مدیرعامل گازپروم هشدار داد که اگر تلاش‌های برخی سران

۱. Aleksander Rjazmov

16. Aleksei Miller

اروپا برای حذف گازپروم از بازار انرژی این قاره صورت گیرد، آنگاه گازپروم نگاه خود را به دیگر بازارها به‌ویژه چین و آمریکا معطوف خواهد کرد. (Niinijava, 2006: 3)

در حوزه امنیتی کردن انرژی باید به دو موضوع مهم؛ نقش شرکت‌های انرژی دولتی و نقش اطلاعات و زمان در امنیت انرژی توجه کرد. اگر وجوه اقتصادی در فرآیند امنیتی کردن اولویت یابند، بازیگران اصلی در این حوزه بیشتر شرکت‌های بین‌المللی انرژی و اگر وجوه سیاسی اولویت یابند، بازیگران اصلی دولت‌ها خواهند بود. آنچه باعث پیچیده شدن موضوع می‌شود این است که تقسیم‌بندی بازیگران اصلی به هیچ‌وجه موضوع راحتی نیست، زیرا بسیاری از شرکت‌های بین‌المللی انرژی تحت تسلط دولت‌ها یا شرکت‌های نفتی دولتی هستند. برای مثال، دولت روسیه، پس از روی کار آمدن پوتین در سال ۲۰۰۰، به طرق گوناگون از جمله؛ خرید سهام، عزل و نصب‌ها و... کنترل و تسلط خود بر شرکت‌های انرژی روسی را افزایش داده است. هووارد چیس^{۱۷} اشاره می‌کند که پنج شرکت بین‌المللی خصوصی تقریباً ۱۴ درصد نفت خام و گاز طبیعی دنیا را تولید می‌کنند، در حالی که تنها ۴ درصد از ذخایر نفت و گاز دنیا را در اختیار دارند. در مقابل شرکت‌های انرژی زیر تسلط دولت‌ها، ۶۰ درصد نفت و گاز طبیعی دنیا را تولید می‌کنند و بر ۹۰ درصد از ذخایر جهان تسلط دارند. (Chase, 2006: 3) براساس ارزش بازار نیز شرکت اکسون موبیل ارزشمندترین شرکت انرژی در جهان است، اما سیزدهمین شرکت انرژی دولتی، منابع بیشتری از اکسون موبیل در اختیار دارد. به‌علاوه، ۷۷ درصد از ذخایر اثبات شده نفت خام جهان در کشورهایی قرار دارد که شرکت‌های دولتی کنترل تولید را در اختیار دارند. این مسائل باعث می‌شوند روند امنیتی کردن موضوع انرژی تسریع شود. زیرا عموماً دولت‌ها تمایل دارند برای تامین برخی اهداف سیاسی خود از انرژی به‌عنوان یک ابزار استفاده نمایند. همچنین در آینده انتظار می‌رود با کاهش تولید نفت خام و گاز طبیعی در بسیاری از کشورها به‌ویژه در مصرف‌کنندگان بزرگی نظیر کشورهای اتحادیه اروپا، تعداد مناطق و کشورهای تولیدکننده انرژی کاهش یابد که این بر ساختارهای وابستگی سطوح مختلف به‌ویژه سطح منطقه‌ای تاثیر می‌گذارد. (Palonkorpi, 2006: 13)

از طرف دیگر اطلاعات و زمان نیز نقش بسیار مهمی در امنیتی کردن مسئله انرژی

دارند. اطلاعات صحیح (منابع، میزان تولید، میزان مصرف، نسبت ذخیره به تولید و...) نقشی بسیار مهم در امنیت انرژی هر بازیگر دارند. براساس نظر ولادیمیر میلوف^{۱۸}، امنیت انرژی در سطح جهان براساس اعتماد به آمارها و شفافیت اطلاعات بنا نهاده شده است. به عقیده‌ی میلوف ارزیابی صحیح به وسیله اطلاعات صحیح صورت می‌گیرد، به‌ویژه اطلاعات برخی کشورها نظیر روسیه که نقش بسیار مهمی در بازارهای انرژی دارند بسیار تعیین‌کننده است. (Milov, 2005: 24) همچنین اگر اطلاعات و پیش‌بینی‌های مربوط به زمان پایان منابع انرژی جهان صحیح باشد، آنگاه رقابت برای دستیابی به منابع باقیمانده بسیار بیشتر می‌شود. کاهش نسبت ذخیره به تولید در برخی از دارندگان اصلی ذخایر جهان می‌تواند نگرانی از تهی شدن ذخایر سوخت‌های فسیلی و احتمال امنیتی کردن موضوع انرژی را افزایش می‌دهد.

نتیجه‌گیری

باتوجه به مطالب فوق مشخص می‌شود که امنیت انرژی یک مفهوم چندبعدی است و ذی‌نفعان مختلف هرکدام از دیدگاه خود به آن می‌نگرند. عرضه، تقاضا، صنعت و محیط زیست ابعاد مختلف امنیت انرژی تلقی می‌شوند. برای مصرف‌کنندگان انرژی، امنیت انرژی در واقع چیزی جز تضمین این امر نیست که انرژی در قیمت مناسب، در هر زمان و به صورت مداوم و بدون وقفه قابل دسترس باشد. این دیدگاه را می‌توان در تعریف کمیسیون اروپا از امنیت انرژی دید. کمیسیون اروپا، امنیت انرژی را تعریف کرده است. «توانایی تضمین تامین نیازهای ضروری انرژی در آینده، چه به‌وسیله آن چیزی که ذخایر استراتژیک نامیده می‌شود و چه به‌وسیله کمک گرفتن از ذخایر خارجی باثبات و قابل دسترسی، در شرایطی که شایسته است ذخایر استراتژیک در درجه دوم اهمیت قرار گیرند.»

موضوع امنیت انرژی می‌تواند در سطوح تحلیل مختلف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مورد بررسی قرارگیرد. در هریک از این سطوح، میزان پویایی متفاوت است. در سطح ملی، تمرکز بر سر روابط انرژی دوجانبه است. درحالی‌که در سطح منطقه‌ای تمرکز بیشتر بر سر

وابستگی‌ها یا وابستگی‌های متقابل در درون همان منطقه است. در سطح جهانی نگرانی‌های عرضه و تقاضا یا وابستگی‌ها در سطح جهانی مطرح است. در سطح جهانی، تجارت نفت خام می‌تواند در تمام سطوح امنیتی شود زیرا بازار آن به معنای واقعی جهانی است، در حالی که گاز طبیعی به ندرت در سطح جهانی امنیتی می‌شود ولی به سادگی می‌تواند در سطح منطقه‌ای امنیتی گردد. انرژی‌های تجدیدپذیر کمتر قابلیت استفاده سیاسی را دارند زیرا عمدتاً به صورت داخلی تولید شده و به صورت داخلی نیز مصرف می‌شوند و از این رو و برخلاف گاز طبیعی که می‌تواند ابزار تهاجمی موثری باشد عمدتاً به عنوان ابزاری دفاعی مورد استفاده قرار می‌گیرند. رشد مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر در واردکنندگان عمده انرژی‌های فسیلی بیشتر در پاسخ به نگرانی از میزان بالای وابستگی آنها به انرژی وارداتی صورت می‌گیرد که نمونه بارز آن را می‌توان در افزایش سهم مصرف این انرژی‌ها در اتحادیه اروپا، چین و ایالات متحده مشاهده نمود. هرچند تهدیدات و مسائل امنیت در امنیت انرژی را نباید در یک سطح در نظر گرفت اما آنها باید در مجموعه امنیتی یکسانی قرار گیرند.

توجه تصمیم‌سازان جمهوری اسلامی به این نکات باعث می‌شود تا با توجه به جایگاه کم‌نظیر ایران در بازار جهانی انرژی، بازیگری ایران در مجموعه‌های امنیتی انرژی که ایران در آن می‌تواند نقش ایفا نماید، پررنگ‌تر گردد. این مسئله درست زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که بازیگری ایران در منابعی نظیر نفت و گاز که قابلیت امنیتی کردن بیشتری دارند، پررنگ‌تر است و در صورت ورود صحیح و تاثیرگذار به بازارهای انرژی مهم نظیر بازار انرژی اتحادیه اروپا، می‌توان انتظار داشت که به شدت میزان توجه به جایگاه ایران افزایش یابد. وقوع بحران‌های متعدد انرژی بین اتحادیه اروپا، با روسیه به عنوان تامین‌کننده مهم انرژی اتحادیه، بروز ناامنی‌های مزمن در تامین‌کنندگان اصلی انرژی این اتحادیه نظیر لیبی و نیجریه و کاهش ذخایر منابع در کشورهای اتحادیه اروپا به ویژه منابع دریای شمال همگی در نقش کاتالیزوری برای ارتقای جایگاه ایران در بازار مصرف بزرگی مانند اتحادیه اروپا شده است که باید مورد توجه سیاستگذاران حوزه انرژی قرار گیرد.

منابع

الف - منابع فارسی

۱. بوزان، باری. (۱۳۸۹). **مردم دولت‌ها و هراس**، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲. بوزان، باری و الی ویور و پاپ دووینلد. (۱۳۸۶). **چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت**، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳. بوزان، باری و الی ویور. (۱۳۸۹). **قدرت‌ها و مناطق**، ترجمه رحمان قهرمانپور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴. محسنی، سجاد و علیرضا صالحی. (۱۳۹۰). «اهداف آمریکا از امنیتی کردن فعالیت هسته‌ای ایران «بانگاهی به مکتب کپنهاگ»» **فصلنامه سیاست خارجی**، سال بیست و پنجم، شماره ۳، پاییز.
۵. مزرعتی، محمد. (۱۳۸۶). «امنیت انرژی، دو روی یک سکه: امنیت عرضه و امنیت تقاضای انرژی» **فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی**، سال چهارم، شماره ۱۳، تابستان.
۶. واعظی، محمود. (۱۳۸۶). **انرژی اوراسیایی**، تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۷. واعظی، محمود. (۱۳۹۰). «دیپلماسی انرژی ایران و قدرت‌های بزرگ در خلیج فارس»، **مجموعه مقالات همایش نفت و سیاست خارجی**، تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام.

ب - منابع انگلیسی

8. Bahgat , Gawdat. 2007. Energy Security: Pacific Asia and the Middle East, in Energy Security in Asia, Edited by Michael Wesley. London and New York: Routledge.
9. Bloem, Hans, Martha Szabo, Fabio Monforti and Arnulf Jager. (2010). European Wind Agency, Available at www.publications.jrc.ec.europa.eu/ Persistence

10. "Statistical Review of World Energy" British Petroleum, June 2011, http://www.bp.com/content/dam/bp-country/de_de/PDFs/brochures/statistical_review_of_world_energy_full_report_2011.pdf.
11. Chase, Howard. 2006. **European Energy Policy**, presentation at the Aleksandra Institutes seminar Challenges and Prospects for Development of the European Energy Sector, 15 June, <http://www.helsinki.fi/aleksanteri/energy/Events/chase.htm>
12. Cohen, Benjamin J. 1990. "Review: The Political Economy of International Trade", **International Organization**, Vol.52, No.2, Spring.
13. Cook, Linda. 2006. "**Fuelling the future – the transition to a global LNG market**", World Energy in 2006, World Energy Council, London.
14. Dempsey, Judy. 2006. "EU urges an energy pact with Russians – But Poland objects and offers plan that excludes Moscow", **International Herald Tribune**, 9.3.
15. European Commission. 2009. **Second Strategy Energy Review: An energy Security and Solidarity**, www.europarl.europa.eu/ft/getDoc.do?
16. Haghighi, Sanam. 2007. **Energy Security**. Portland: Hart Publishing.
17. Kovacovska, Lenka. 2007. «European Union Energy in Security Dependency», **Russia Association for International Affairs**, Research Paper, June.
18. Lajous, A. 2004. **Production Management Security of Demand and Market Policy**, Middle East Security Survey, Vol.47, No.39, www.agienergia.it/approfondimento%20-%20nucle.
19. Larsson, Robert. 2006. **Russia's Energy Policy: Security Dimensions Russia's Reliability as an Energy Supplier**, <http://www.foi.se/sv/Sok/?query=Russia%E2%80%99s+Energy+Policy:+Security+Dimensions+Russia%E2%80%99s+Reliability+as+an+Energy+Supplier>.
20. Milov, Vladimir. 2005. "**Global Energy Agenda**" **Russia in Global Affairs**, Vol.3 No.4, October-December.
21. Myasnikov, Viktor. 2006. "New objectives for submarines: ensuring uninterrupted energy exports from Russia". **Nezavisimaya Gazeta**,

20 March.

22. Niinivaara, Susanna. 2006. "Gazprom", **Helsinki Sonoma**, 22 April.
23. Palonkorpi, Mikko. 2006. « Energy Security and the Regional SecurityComplex, Helsinki», **Aleksanteri Institute**, University of Helsinki,
<http://busieco.samnet.sdu.dk/politics/nisa/papers/palonkorpi.pdf>.
24. Roberts, Paul. 2004. **The End of Oil – On the Edge of the Perilous New World**, Boston:Houghton Mifflin Company.
25. Smith, Keith. 2006. "How Dependent Should We Be on Russian Oil and Gas?", **CSIS Commentary**, 3 April,
http://www.csis.org/media/csis/pubs/060403_russian_energy.pdf.
26. Rosner, Kevin. 2006. "Wrestling the Russian Bear", **IAGS Energy Security**, <http://www.iags.org/n0119061.htm>
27. Saakashvili, Mikhail. 2006. "The Path to Energy Security", **The WashingtonPost**, 9 January.
28. Stern, Jonathan. 2006. "The Russian-Ukrainian gas crisis of January 2006". **The Oxford Institute for Energy Studies**,
http://www.oxfordenergy.org/pdfs/comment_0106.pdf.
29. Sullivan, Michael P. 2002. **Theories of International Relations – Transition vs. Persistence**. New York: Palgrave.